



"اوراق بدهی":

ارزش متعارف یا

بهای تمام شده تاریخی؟

B.M. Wampler & T. J. Phillips

ترجمه: مجید حاجتمند

تاریخچه:

تا چندی پیش، حسابداری سرمایه‌گذاری در اوراق بدهی، روش بهای مستهلک شده^۱ را به عنوان روشی متداول توصیه می‌کرد. تنها مزیت این روش به روش ارزش جاری، محاسبه ذخیره‌ای بود که در صورت کاهش ارزش متعارف سرمایه‌گذاری به پایینتر از ارزش دفتری در حسابها عمل می‌شد. در غیر این صورت ارزش متعارف نادیده گرفته می‌شد.

هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۲ در رابطه با قوانین و مسائل مربوط به تشخیص و اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری در اوراق بدهی، بیانیه^{۱۱۵} را با عنوان حسابداری سرمایه‌گذاری خاص در اوراق بدهی و سرمایه^۳ انتشار داد. این بیانیه کاربرد حسابداری ارزش متعارف سرمایه‌گذاری در اوراق بدهی را بهبود داد. هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۴ واژه ارزش متعارف را به جای ارزش بازار برگزید با این نیت که واژه بازار به دو حالت فعال و منفعل تفسیرپذیر بود.

انواع اوراق

بیانیه ۱۱۵ فقط برای اوراق بدهی و سرمایه‌ای که به عنوان سرمایه‌گذاری نگهداری می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد و این اوراق را به سه دسته تقسیم می‌کند.

(۱) اوراق معاملاتی^۵: آن دسته از اوراق است که برای فروش مجدد در دوره کوتا‌همدت نگهداری می‌شود. این سرمایه‌گذاری به ارزش متعارف گزارش می‌شود و سود و زیانهای تحقق نیافته آن در حساب سود و زیان گزارش می‌شود.

(۲) اوراق محفوظ تا سررسید^۶: آن گروه از اوراق است که شرکت توانایی و قصد نگهداری آن را تا تاریخ سررسید دارد و به بهای تمام شده مستهلک شده گزارش می‌شود یعنی همان روشی که قبل از بیانیه ۱۱۵ ارائه شده بود.

(۳) اوراق حاضر برای فروش^۷: اوراقی که جزو اوراق معاملاتی و محفوظ تا سررسید طبقه‌بندی نمی‌شوند در این گروه قرار می‌گیرند. سود و زیانهای تحقق نیافته این اوراق در حقوق مالکان گزارش شده و اوراق نیز به ارزش متعارف در ترازنامه گزارش می‌شوند.

از آنجا که بیانیه ۱۱۵ SFAS در سرمایه‌گذاریها کاربرد پیدا می‌کند بنابراین استهلاک صرف و کسر اوراق قرضه منتشر شده از سوی شرکتها کماکان به شکل گذشته انجام می‌شود. هیچ گونه تعدیلی برای انعکاس ارزش متعارف اوراق قرضه پرداختنی انجام نمی‌شود مگر اینکه بدهی قبل از سررسید از طریق بازخرید واقعی اوراق^۸ و یا ابطال اوراق بطور مقداری^۹ صورت گیرد.

هدف مقاله حاضر این است که در مورد حسابداری اوراق بدهی با استفاده از روش ارزش متعارف و با تاکید بر ماهیت اقتصادی

آن بحث کند. در آغاز مقایسه‌ای بین دو روش بهای تمام شده تاریخی و ارزش متعارف صورت می‌گیرد، آنگاه بیانیه‌های اجرایی مربوط به اندازه‌گیری و گزارشگری اوراق بدهی تحت روش ارزش متعارف ارائه می‌شود. مثالهای فرضی راه‌حلهای ممکن برای حل این مشکلات را تشریح می‌کند. بحث از مشکلات اجرایی که در صورت طبقه‌بندی اوراق بدهی به یکی از سه طبقه پیشگفته ایجاد می‌شود پرهیز و اجتناب شده است و از آنجا که حسابداری ارزش متعارف اطلاعات مربوط فرآوانی را تهیه می‌کند، از این رو با ثبات‌ترین روشی که ارزشهای متعارف همه اوراق بدهی غیرقابل تبدیل^۹ (از جمله آن دسته‌ای که از سوی شرکت منتشر شده‌اند مانند بدهیها) را شناسایی می‌نماید توصیه خواهد شد.

اگرچه نزاع بین حسابداری بهای تمام شده تاریخی و ارزش متعارف بحث جدیدی نبوده، اما در سالهای اخیر علاقه زیادی به حسابداری ارزش متعارف برای ابزارهای مالی^{۱۰} نشان داده شده است.

مزایا و معایب هر روش با توجه به تاثیرات سود و زیانی، ترازنامه‌ای، مربوط بودن و قابل اعتماد بودن چیست؟ گرچه بسیاری از بحثها برای سایر داراییها و بدهیها نیز قابل استفاده است اما تجزیه و تحلیل حاضر بیشتر مربوط به حسابداری اوراق بدهی می‌باشد.

تاثیرات سود و زیانی

انتقادی که همیشه بر حسابداری ارزش متعارف وجود دارد این است که کاربرد این روش به علت تغییر نرخ بهره بازار (و نه عوامل مربوط به عملیات)، درآمدهای گزارش شده را تغییر چشمگیری می‌دهد. ممکن است اوراق قرضه‌ای برای چند دوره فقط در تاریخ سررسید نقد شود، در این

صورت حسابداری ارزش متعارف، درآمد مربوط به اوراق بدهی دوره‌هایی که اوراق قبل از سررسید نقد شده‌اند را کاهش می‌دهد چرا که حسابداری ارزش متعارف سود و زیانها را در زمان وقوع شناسایی می‌کند تا اینکه تا زمان نقد شدن اوراق را معوق نگه‌دارد. یکی از مهمترین نواقص حسابداری بهای تمام شده تاریخی قدرتی است که در اختیار مدیریت قرار می‌گیرد تا از طریق فروش آزادانه اوراق بدهی میزان درآمد گزارش شده را تغییر دهند. شرکتی که سال بدی را پشت سر گذاشته با فروش اوراق قرضه سودآور درآمد خود را افزایش می‌دهد و همچنین اوراق قرضه زیان آور را به فروش نمی‌رساند. در مقابل شرکتی که انتظار درآمندی بیشتر از حد معمول دارد باید زمانی که درآمدها برای جذب زیانها کافی نیستند از هر فرصتی برای فروش سرمایه‌گذاری استفاده کند. بنابراین ممکن است مدیریت از قدرت خود برای زمان تشخیص سود و زیان استفاده و تغییر درآمدهای حاصل از عملیات را پنهان نماید.

این توانایی و کنترل سود فقط به شرکتهایی که در اوراق بدهی سرمایه‌گذاری کرده‌اند محدود نمی‌شود. شرکتهایی که بدهی بلندمدت دارند ممکن است بدهی خود را زودتر از موعد تسویه کنند، در این صورت اختلاف بین نرخ بازخریدی و ارزش دفتری بدهی، باید به عنوان سود و زیان غیرمترقبه دوره جاری گزارش شود.

استاندارد شماره ۱۱۵ حسابداری مالی مشکلات تحریف درآمد را حل نمی‌کند، و به نحوی ممکن است موجب افزایش توان شرکت در کنترل سود گردد. برای مثال، تجدید طبقه‌بندی یک ورقه قرضه به گروه معاملاتی مستلزم شناسایی کلیه سود و زیانهای شناسایی شده است. در حالی که

در استاندارد قبلی فروش واقعی اوراق برای تحریف درآمدها کافی بود. در استاندارد جدید تغییر قصد فروش موجب مدیریت درآمدها می‌گردد.

مسئله اساسی که باید پاسخ داده شود این است که تحت چه روشی شرایط جاری موسسه به نحو دقیقتری منعکس می‌گردد. نقش حسابداری هموار کردن سود نیست. اگر استراتژی سرمایه‌گذاری و تامین مالی موسسه به تغییرات نرخهای بهره حساس باشد، صورتهای مالی موسسه باید نتایج استراتژی را به طور منصفانه نشان دهد، حتی اگر منجر به بالا رفتن درجه تغییر پذیری سود^{۱۱} شود. روش ارزش متعارف با شناسایی سود و زیانها در زمان وقوع نه در زمانی که مدیریت صلاح می‌داند، به این هدف دست یافته است.

تاثیرات ترازنامه‌ای

اگر حسابداری ارزش متعارف فقط برای بعضی داراییها و بدهیها به کار رود، در حالی که سایر داراییها و بدهیها بر مبنای روش بهای تمام شده تاریخی باشند، مشکلی ایجاد می‌شود. استفاده از روش حسابداری ارزش متعارف ممکن است برای بخشهایی از ترازنامه تصویر نادرستی از وضعیت جاری موسسه ارائه نماید. برای مثال، فرض کنید شرکتی داراییهای خود را که مشتمل بر اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات است با نرخهای بالایی از طریق اوراق بلندمدت بدهی تامین مالی کرده باشد. تحت روش حسابداری ارزش متعارف، افزایش چشمگیر در نرخهای بهره موجب کاهش در ارزش ثبت شده این بدهی می‌شود از این رو ارزش ویژه شرکت افزایش می‌یابد. اغلب داراییها همچنان بر مبنای بهای تمام شده تاریخی گزارش می‌شوند؛ در حالی که ارزش متعارف این گونه داراییها نیز در اثر افزایش

نرخهای بهره کاهش یابد، ارزش ویژه شرکت بیش از حد متعارف بیان می‌شود.

نتیجه‌ای که از این بحث گرفته می‌شود این است که حسابداری ارزش متعارف زمانی باید مورد استفاده قرار بگیرد که برای کل ترازنامه کاربرد داشته باشد. از آنجا که حسابداری بهای تمام شده تاریخی اشتباهات خنثی کننده‌ای این چنین ندارد و در مقایسه با روش ارزش متعارف کاربرد انتخابی ندارد بنابراین وضعیت ارزش ویژه شرکت را به نحو دقیقتری بیان می‌نماید.

مشکلی که در این بحث به وجود می‌آید این است که فرض می‌شود ارزش متعارف تمام داراییها و بدهیها (و متعاقباً ارزش ویژه) تا حدی قابل تخمین است.

اگر چنین باشد پس ارزشهای متعارف باید در صورتهای مالی نشان داده شوند. این حقیقت که تمام نواقص ترازنامه به طور همزمان قابل تصحیح نیست دلیل منطقی برای رفع نکردن مشکلاتی که قابل اصلاح است، نخواهد بود. هرچند که کاربرد انتخابی ارزش متعارف (بازار) منجر به تحریف ترازنامه می‌شود ولی این موضوع به معنی بی‌عیب و نقص بودن روش بهای تمام شده نیز نمی‌باشد، هم از این رو تا جایی که امکان دارد و ترازنامه بی‌عیب می‌گردد باید از روش ارزش متعارف استفاده کرد.

اگر ترازنامه‌ای کاملاً بر مبنای بهای تمام شده تاریخی باشد، استفاده کنندگان ترازنامه به منظور دستیابی به ارزشهای جاری که وضعیت مالی موسسه را دقیقتر بیان می‌کند، باید ارقام گزارش شده را تعدیل نمایند. اگرچه استفاده کنندگان، بعضی تعدیلات را ضروری بدانند ولی در صورت دسترسی و استفاده از ارزش متعارف تعداد تعدیلات کاهش یافته و مقبول بودن و مفید بودن گزارشگری مالی افزایش می‌یابد.

مربوط بودن اطلاعات

ارزیابی بر مبنای ارزش متعارف برای شرکتی که در آینده نزدیک مجبور به تصفیه است مربوط ترسین اطلاعات را تهیه می‌نماید، هرچند که طبق فرض تداوم فعالیت انتخاب بهترین روش ارزیابی معلوم نمی‌باشد. فرض نمایید شرکتی به منظور سرمایه‌گذاری اقدام به خرید اوراق قرضه نماید و تمایل به نگهداری اوراق تا تاریخ سررسید را داشته باشد. تا زمانی که تغییرات در ارزش بازار حاکی از ریسک عدم پرداخت نباشد تاثیری بر جریانهای آینده و جوه نقد نخواهد داشت و برای استفاده کنندگان اطلاع مربوطی نیست. بنابراین یک مزیت حسابداری بهای تمام شده تاریخی این است که تاثیر حوادث خارجی را که انتظار نمی‌رود تاثیری بر جریانهای نقدی آینده داشته باشد، منعکس نمی‌نماید.

در مقابل، حسابداری ارزش متعارف در پرتو شرایط جاری تصویر دقیقی از نتایج تصمیمات دریافت شده قبلی مدیریت فراهم می‌نماید و نیز با مفهوم شناخت درآمد برطبق بیانیه شماره ۵ سازگاری بیشتری دارد. در بیانیه شماره ۵ اظهار شده است که درآمدها باید زمانی که تحقق یافته و یا تحقق یافتنی و قابل کسب است شناسایی گردد. زمانی که به علت کاهش در نرخ بهره، ارزش اوراق بدهی قابل فروش که به عنوان سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود، افزایش یافته آنگاه مسلماً درآمد قابل تحقق و کسب شدنی است. در صورت استفاده از حسابداری بهای تمام شده تاریخی تعویق در شناخت این گونه درآمدها موجب تداخل با استاندارد شماره ۵ می‌گردد. همچنین این منطبق در شرایطی که در اثر افزایش نرخهای بهره زبانی تحقق یافته است نیز، قابل ذکر است.

فرض کنید شرکتی اوراق قرضه‌ای دارد و یا انتشار داده است که تمام آنها به ارزش متعارف قابل تسویه نباشد. برای مثال، بخش عمده‌ای از اوراق قرضه نگهداری شده به وسیله صندوقهای بازنشستگی که تا تاریخ سررسید نگهداری می‌شوند در صورتی که پس از زمان انتشار اوراق، نرخهای بهره افزایش یابد، آیا سود کل اوراق منتشرشده، حتی در صورت عدم بازخرید کل اوراق، در حسابهای شرکت انتشاردهنده تحقق یافتنی تلقی می‌گردد؟ در صورتی که تحقق یافتنی تلقی گردند درگیر شناخت سود فرصت^{۱۲} خواهیم شد.

اگر شرکت هنگامی که نرخها پایینتر است اقدام به انتشار بدهی خود نماید، با دوری جستن از نرخهای بالاتر بهره، منتفع می‌گردد. در حال حاضر، در عرف حسابداری، سود و زیان فرصت شناسایی نمی‌شوند، اما موضوع سود و زیانهای ناشی از تغییر در نرخهای بهره حتی در صورت عدم تصفیه شرکت، تحقق یافته تلقی می‌گردند.

نکته مهم این است که از دیدگاه اطلاعاتی ارزش فعلی جریانهای نقدی آینده در مقایسه با جریانهای نقدی ساده (تزیل نشده) بسیار مربوط تر می‌باشند. نقضی که حسابداری بهای تمام شده تاریخی دارد این است که تغییرات در ارزش فعلی را بعد از تاریخ خرید یا فروش اوراق شناسایی نمی‌نماید و مزیت دیگری که حسابداری ارزش متعارف دارد این است که قابلیت مقایسه صورتهای مالی شرکتهای مختلف را افزایش می‌دهد.

قابلیت اعتماد اطلاعات

بیانیه مفهومی شماره ۲ حسابداری مالی، سه ویژگی معرفی می‌کند که اطلاعات حسابداری را قابل اعتماد

می‌نماید. آن سه ویژگی عبارتند از ۱) ارائه مناسب و متصفانه، ۲) قابلیت اثبات، ۳) بی طرفی. دلیل اصلی که حرفه حسابداری روش بهای تمام شده تاریخی را رها نمی‌سازد این است که بهای تمام شده تاریخی قابل اثبات تر ارزشهای جاری و متعارف است. مشکل اساسی حسابداری ارزش متعارف، تخمین ذهنی ارزشهای جاری داراییها و بدهیها است. به هر حال، طبق استاندارد ۱۱۵ SFAS برای کل اوراق بدهی تخمین منطقی ارزشهای جاری، حتی اگر اوراق قابل معامله نباشد به وسیله روشهایی چون تجزیه و تحلیل جریان نقدی تنزیل شده، ممکن می‌باشد. از آنجا که استاندارد جدید پیشبینی‌هایی این چنین را فقط برای سمت سرمایه‌گذاری ترازنامه الزامی می‌نماید، بنابراین دلیلی وجود ندارد که ارزش جاری اوراق بدهی منتشرشده توان تخمین به همین روشها را نداشته باشد تا در نتیجه به ترازنامه‌ای یکنواخت برسیم. ارائه متصفانه یعنی اینکه بین ارقام حسابداری^{۱۳} و منابع و رویدادهایی که این ارقام مدعی ارائه آن است سازگاری وجود دارد. ارزیابیهای هر دو روش بهای تاریخی و ارزش متعارف، اطلاعات را متصفانه ارائه می‌نماید، ولی این دو روش دو چیز متفاوت را ارائه می‌نماید (ارزش جاری در مقابل بهای تاریخی مستهلک شده). سؤال مربوط این است که کدامیک از این دو روش باید در تهیه صورتهای مالی گزارش شود، و البته سرانجام هر دو روش باید از جنبه بی طرفی مانند یکدیگر باشند.

می‌توانند به شکلهای مختلفی از ابزارهای مالی تجزیه شوند. از طریق تعیین روش حسابداری مناسب برای ابزارهای مالی اساسی و با حسابداری پیچیده‌تر که براساس اجزای آنهاست، ممکن است راه‌حلهای یکنواختی برای مشکلات حسابداری ناشی از ابزارهای کنونی و جدید پیدا شود.

این نگرش، بر حسابداری محتوای اقتصادی ابزارهای مالی بدون توجه به شکل آنها تاکید دارد. به عبارت دیگر ترکیب چند ابزار اساسی مالی در یک ابزار پیچیده نباید روش حسابداری را عوض کند.

اوراق قرضه معمولی و سنتی که فقط به صورت دوره‌ای بهره پرداخت می‌نماید و در آخرین قسط ارزش اسمی را نیز پرداخت می‌کند، ابزار مالی ترکیبی است که متشکل از یک سری اوراق قرضه بدون بهره^{۱۵} می‌باشد. برای مثال، فرض کنید شرکتی اوراق قرضه‌ای به ارزش اسمی ۱۰۰۰ ریال در تاریخ ۷۳/۱/۱ انتشار داده باشد و تاریخ سررسید آن سه سال بعد یعنی ۷۵/۱۲/۲۹ باشد. بهره این اوراق با نرخ ۸٪ به طور سالانه در پایان هر سال یعنی ۲۹ اسفندماه پرداخت می‌گردد. زمانبندی جریانهای نقدی ناشی از مشارکت این اوراق در جدول شماره ۱ آمده است.

شرکت انتشاردهنده باز پرداخت سالانه ۸۰ ریال تا پایان سال دوم و ۱۰۸۰ ریال در سال آخر را تعهد نموده است. ماهیتاً سه

ورقه قرضه بدون بهره منتشر شده هرچند که شکل معامله فقط یک قرضه را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاران زمانبندی جریانهای نقدی و نرخ لازم برگشت هر بخش را در هنگام قیمتگذاری اوراق قرضه در نظر قرار می‌دهند. برای مثال منحنی بازده نرمال را فرض نمائید، در این صورت سرمایه‌گذاران برای اولین پرداخت، نرخ بازده پایینتر را می‌پذیرند تا پرداختهای بعدی. اما فقط نرخ قابل مشاهده، نرخ بازده موثر بر هر ترکیب اوراق قرضه می‌باشد که میانگین موزون نرخ بازده روی یکایک اجزاست.

تعیین درآمد و هزینه

اگر اوراق بدهی با استفاده از ارزشهای متعارف به حساب گرفته شود، آنگاه از تفاوت بین ارزش متعارف اوراق قرضه در ابتدا و پایان دوره پس از تعدیل بابت پرداخت و یا دریافت نقدی طی دوره (و در صورتی که اوراق قرضه در طول دوره تسویه شده باشد در تاریخ تسویه) درآمد و یا هزینه دوره اندازه‌گیری می‌شود. در پایان هر دوره ترازنامه با ثبت تعدیلی به ارزشهای جاری تعدیل و در مقابل درآمد یا هزینه نیز ثبت و شناسایی می‌شود.

آثار تغییرات در نرخهای عمومی بهره و نرخهای ویژه شرکت که مبنی بر تغییر در خصوصیات ریسک موسسه صادرکننده و هرگونه جریان نقدی دوره است، در مجموع درآمد و هزینه را انعکاس خواهند داد.

جدول شماره ۱

ریال	-۱۰۸۰	-۸۰	-۸۰	جریان ورودی
	۷۵/۱۲/۲۹	۷۴/۱۲/۲۹	۷۳/۱۲/۲۹	۷۳/۱/۱

چه چیزهایی مشکلات کاربردی هستند؟ در پیش‌نویسی که با عنوان "شناسایی و اندازه‌گیری ابزارهای مالی"^{۱۴} مطرح گردید هیئت استانداردهای حسابداری مالی پیشنهاد کرده است که کلیه ابزارهای مالی

زمانی که ابزارهای مالی براساس اجزای اساسی آنها تجزیه و تحلیل شدند، واژه‌هایی چون اصل و فرع اوراق، کم اهمیت می‌شوند. در مثال اوراق قرضه، معمولاً اولین ۸۰ ریال پرداختی به عنوان بهره شناسایی می‌شود، در صورتی که اوراق قرضه سه ساله برحسب افزایش خود تجزیه و تحلیل شوند، آنگاه قسط ۸۰ ریالی پرداختی که بخش کوچکی از بهره است بیانگر تسویه اوراق قرضه یکساله بدون بهره است.

بهره‌های تحقق یافته در پرداختهایی که سررسید آنها در تاریخ ۷۴/۱۲/۲۹ و ۷۵/۱۲/۲۹ می‌باشد فقط زمانی که این تعهدات تسویه شده‌اند پرداخت می‌شود. تقسیم درآمد یا هزینه دوره به سود و زیان تحقق نیافته و بهره، نوعی تسهیم اختیاری^{۱۶} است که هیچ نفعی ندارد. برای مثال از دیدگاه انتشاردهنده کل هزینه تامین مالی از طریق تغییرات در ارزش متعارف و همچنین پرداختهای نقدی دوره محاسبه می‌شود. اگرچه محاسبه بهره با استفاده از روشهای مشابهی که در حال حاضر برای روش بهای تمام شده تاریخی بکار می‌رود، مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی نرخ بهره مناسب برای استفاده هنوز معلوم نیست. نرخهای موجود شامل نرخ بهره در زمان انتشار اوراق، نرخ بهره در ابتدا و انتهای دوره و یا نرخ میانگین بهره است. استفاده از واژه بهره برای تشریح کل هزینه ممکن است موجب گمراهی استفاده‌کنندگان آشنا با آن گردد چراکه با کاربرد فعلی آن متفاوت است. به همین دلیل واژه دیگری چون هزینه تامین مالی اوراق قرضه باید مورد استفاده قرار گیرد.

در مثالی که در زیر آمده است برای ثبت درآمد و هزینه اوراق بدهی از حسابی جداگانه استفاده شده است. همچنین از

ترازنامه جداگانه‌ای برای نشان دادن کل داراییها و یا بدهیها که شامل هرگونه بهره دریافتی و پرداختی است، استفاده شد. و از طرفی چون در روش ارزش متعارف حسابهای صرف و کسر اوراق هیچ گونه فایده‌ای ندارند، از این گونه حسابها استفاده نشده است.

مثال: حسابداری ارزش متعارف

اجازه دهید از مثال قبلی اوراق قرضه سه ساله برای تشریح حسابداری ارزش متعارف اوراق بدهی استفاده نمایم. به یاد بیاورید که اوراق قرضه به ارزش اسمی ۱۰۰۰ ریال و نرخ بهره سالانه ۸٪ بود. اکنون فرض کنید شرکت توانایی انتشار اوراق بدهی ۶٪ یکساله و ۷٪ دوساله و ۸٪ سه ساله را دارد. از آنجا که نرخ کوپن با نرخ بازار برابر است (۸٪)، اوراق قرضه در تاریخ ۷۳/۱۲/۲۹ به ارزش اسمی منتشر شدند. شرکت صادرکننده اوراق، یک بدهی ۱۰۰۰ ریالی و خریدار اوراق، دارایی به همین مبلغ نشان خواهند داد. زمانی که پرداخت نقدی اول فرا می‌رسد، شرکت منتشرکننده اوراق هزینه‌ای به مبلغ ۸۰ ریال و خریدار اوراق، درآمدی به همین میزان گزارش خواهند کرد. در تاریخ ترازنامه یعنی ۷۳/۱۲/۲۹، ارزش متعارف اوراق قرضه باید تعیین گردد. در صورت وجود، از نرخ رسمی بازار استفاده می‌شود، در غیر این صورت، ارزش متعارف باید پیشبینی شود. فرض می‌نمائیم که ساختار دوره تغییر نکرده و نرخ برگشت مورد نیاز ۷٪ باشد.

قیمت اوراق قرضه در ۷۳/۱۲/۲۹ عبارت است از:

$$۸۰ : ۱/۰۷ = ۷۴/۷۷$$

$$۱۰۸۰ : (۱/۰۷)^۲ = ۹۴۳/۳۱$$

$$۷۴/۷۷ + ۹۴۳/۳۱ = ۱۰۱۸/۰۸$$

در این وضعیت، ترازنامه با تعدیلی برابر

به صورتحساب سود و زیان به ارزش متعارف تعدیل خواهد شد. منتشرکننده بعد از پرداخت ۸۰ ریال، سالانه ۹۸/۰۸ ریال در بخش هزینه‌های تامین مالی گزارش می‌نماید و در پایان سال ۱۰۱۸/۸۰ ریال بدهی خواهد داشت.

در تاریخ ۷۴/۱۲/۲۹ نرخ اوراق عبارت است از:

$$۱۰۸۰ : ۱/۰۶ = ۱۰۱۸/۸۷$$

بعد از تعدیلات پایان سال، کل هزینه‌های دوره ۸۰/۷۹ ریال و ارزش دفتری اوراق قرضه ۱۰۱۸/۸۷ ریال می‌باشد.

در پایان در تاریخ ۷۵/۱۲/۲۹ سررسید تسویه اوراق قرضه می‌باشد، و ارزش بازار آن برابر است با ارزش اسمی اوراق (۱۰۰۰ ریال) و پرداختهای اضافی (۸۰ ریال) یعنی ۱۰۸۰ ریال. هزینه‌ای معادل ۶۱/۱۳ ریال نشان داده می‌شود و بدهی تسویه می‌یابد. تاثیرات سود و زیانی و ترازنامه‌ای هر یک از دو روش یادشده در جدول شماره ۲ بطور سالانه مقایسه شده است

هنگامی که مبالغ هنگفتی بدهی سه ساله با نرخ بالاتر معوق می‌باشند، روش ارزش متعارف با شناسایی هزینه‌ها (درآمدها) بیشتر، منحنی بازده افزایشی را منعکس می‌نماید. از طرف دیگر روش بهای تمام شده تاریخی با هموارسازی منحنی بازده به صورتی که هیچ گونه افزایش نداشته باشد، درآمد (هزینه) را متعادل می‌نماید. از آنجا که روش ارزش متعارف، زمانبندی واقعی درآمد یا هزینه را دقیقتر بیان می‌دارد و ارزیابی داراییها و بدهیها را واقعیتر نمایش می‌دهد، نسبت به روش دیگر ارجحیت دارد (هرچند که درآمد یا هزینه کل در طول عمر اوراق قرضه به هر دو روش برابر است)

متعارف روش بهای تمام شده تاریخی را که برای کلیه اقلام داراییها و بدهیها کاربرد دارد ندیده گرفته شود، و از طرفی نیز فرض اینکه اطلاعات ارزش متعارف در هر موقعیتی اعتمادناپذیر است نیز فرض صحیحی نیست. هر افته‌ای باید جداگانه بررسی شود. استفاده از روش ارزش متعارف برای کلیه اوراق بدهی نه فقط خیلی باثبات است بلکه با مشخص نمودن پیچیدگیهای استاندارد ۱۱۵، حسابداری اوراق بدهی را توسعه می‌دهد. هرچند که مشکلات حسابداری زیادی پدید خواهد آمد اما از آنجا که مزایای حسابداری ارزش متعارف بر معایب آن برتری دارد (بویژه از نظر مربوط بودن اطلاعات) این مشکلات قابل تحمل می‌باشد. از آنجا که استاندارد ۱۱۵ SFAS گامی در جهت پیشرفت می‌باشد، تئوری ارزش متعارف اوراق بدهی به طور کامل در صورتهای مالی عمل می‌شود تا موجب بهبود گزارشگری مالی موسسات و تصویر واقعیت اقتصاد شرکتها شود.

1. Amortized Historical Cost
2. FASB
3. Accounting for Certain Investment in Debt Security
4. Trading Securities
5. Held-to-Maturity
6. Available for Sale
7. Actual Reacquisition
8. In-Substance Defeasance
9. Non-Convertible Debt Security
10. Financial Instruments
11. Earnings Volatility
12. Opportunity Gain
13. Accounting Numbers
14. Recognition and Measurement of Financial Instrument
15. Zero Coupon Bonds
16. Arbitrary Allocation
17. Rising Term Structurē

منبع:

Management Accounting, March 1994

ارقام به ریال

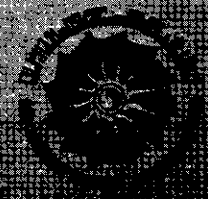
هزینه یا درآمد				
کل	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
ارزش متعارف	۶۱/۱۳	۸۰/۷۹	۹۸/۰۸	۲۴۰
بهای تاریخی	۸۰	۸۰	۸۰	۲۴۰
ارزش دفتری (پایان سال)				
	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	
ارزش متعارف	-	۱۰۱۸/۸۷	۱۰۱۸/۰۸	
بهای تاریخی	-	۱۰۰۰	۱۰۰۰	
کل داراییها یا بدهیها (شامل بهره‌های تحقق یافته) قبل از تسویه تحت هردو روش معادل ۱۰۸۰ ریال خواهد بود.				

جاری جریانهای نقدی که طی سال جاری تحقق یافته است به عنوان جاری طبقه‌بندی می‌گردد. نرخ تنزیل باید ساختار دوره‌ای نرخهای بهره را منعکس نماید تا شرکت بتواند نرخ مناسب جریانهای نقدی را که ظرف یکسال تحقق می‌یابد، پیشبینی نماید. فرض نمائید ساختار افزایشی^{۱۷} وجود دارد، در این صورت استفاده از نرخ موثر بر کل اوراق قرضه موجب می‌شود که بدهیهای جاری کمتر نشان داده شود. استفاده از این نرخ به علت کوتاهی طول دوره تنزیل نباید تاثیر بااهمیتی بر ترازنامه بگذارد. روش ارزش متعارف در تاریخ ۷۳/۱۲/۲۹ بدهی جاری را ۷۴/۷۷ ریال (۱/۰۷ : ۸۰) و مانده بدهی که ۹۴۳/۳۱ ریال می‌باشد را به عنوان بدهی غیرجاری گزارش می‌نماید.

تصویر اقتصادی بهتر

خیلی از حسابداران قبول دارند که ترازنامه تهیه شده بر مبنای ارزش متعارف از نظر مربوط بودن مفیدترین است، ولی نبود ارزشهای جاری در خور اعتماد مشکلات جدی ایجاد می‌نماید. در اینجا قصد بر این نیست که با طرفداری از روش ارزش

طبقه‌بندی جاری در مقابل بلندمدت در صورتی که ترازنامه طبقه‌بندی شده‌ای ارائه شود، کاربرد ابزارهای مالی اساسی و حسابداری ارزش متعارف می‌تواند تغییر بااهمیتی بر روشی که اوراق بدهی گزارش شده‌اند بگذارد. برای مثال، فرض نمائید که برای انتشار دهنده اوراق قرضه سه ساله ترازنامه طبقه‌بندی شده‌ای در تاریخ ۷۳/۱۲/۲۹ ارائه شده باشد. از آنجا که اصل و فرع یکساله‌ای که تحقق یافته باشد و قابل پرداخت نیز باشد وجود ندارد، طبق استانداردهای گزارشگری فعلی کل ۱۰۰۰ ریال بدهی اوراق قرضه تحت عنوان غیرجاری طبقه‌بندی می‌گردد، و وضعیت ۸۰ ریال پرداختی که در سال آینده باید پرداخت شود معلوم نمی‌باشد. از آنجا که انتظار می‌رود این پرداخت با استفاده از منابعی که به عنوان دارایی جاری طبقه‌بندی شده‌اند صورت گیرد، بنابراین ۸۰ ریال مورد نظر باید به عنوان بدهی جاری طبقه‌بندی شود. تفاوت و یا تفکیک غیر ضروری بین اصل و فرع اوراق موجب می‌شود که بدهیها به روشی غیر از تعریف جاری و بلندمدت گزارش شود. تحت روش ارزش متعارف، ارزش



دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی و دوره های تکمیلی حسابداری و امور مالی

دوره تکمیلی (۱) حسابداری و امور مالی

حسابداری مالی
مباحثی از حسابداری مالی تکمیلی
حسابداری صنعتی
مدیریت مالی و بودجه
حسابرسی
قانون مالیاتهای مستقیم
قانون تجارت

دوره تکمیلی (۲) حسابداری و امور مالی

حسابداری مالی پیشرفته (۱)
حسابداری مالی پیشرفته (۲)
حسابداری صنعتی (۲)
حسابداری مدیریت
کاربرد استانداردهای حسابداری
مدیریت مالی

دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی

کاربرد استانداردهای حسابداری
حسابداری مالی
حسابداری مدیریت
مدیریت مالی
حسابرسی
قانون مالیاتهای مستقیم
قانون تجارت

مدرک دیپلم متوسطه
ویج سال سابقه کار در
حسابداری یا حسابرسی

مدرک دوره تکمیلی (۱)
حسابداری و امور مالی
یا فوق دیپلم و سه سال سابقه
کار در حسابداری یا حسابرسی

لیسانس حسابداری یا رشته های
مشابه و سه سال سابقه کار
حسابداری یا حسابرسی

محل ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر

خیابان طالقانی بین خیابان فرمت و خیابان دکتر مفتح آموزشگاه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تلفن : ۸۳۸۳۴۴